

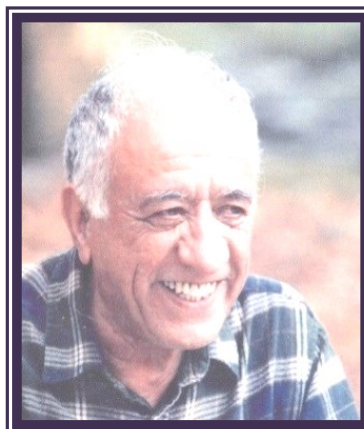
برنامه موسیقی "گلها": رنسانسی در تاریخ موسیقی ایران زندگی و نقش داوود پیرنیا در تحولات فرهنگی و هنری ایران

مرتضی حسینی دهکردی

مقدمه

مانند کوه بلندی که هر چه از آن دور می شویم، عظمت و بلندای آن بهتر دیده می شود، هر سال که از روزگار اجرای موسیقی "گلها" می گذرد، ارزش و اعتبار و جاودانگی آن نمایان تر می شود. موسیقی گلها به راستی رنسانسی در تاریخ هنر ایران به شمار می آید.

بیش از پنجاه سال است که در مورد برنامه های گلها و سرگذشت بنیان گزار آن، مقالات و تفسیرهای بسیار نوشته شده و ارزش و اعتبار این برنامه جاودانه، از دیدگاههای متفاوت، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. امید است که نوشته زیر، به برخی دیگر از پرسش های مطرح در مورد وجوه مختلف این برنامه پاسخ داده و سیمای روشنی از آن ایام، برای ثبت در تاریخ ایران ترسیم نماید.



سرگذشت داوود پیرنیا و اندیشه های او

بسیاری از فلاسفه و اندیشمندان جهان، در خصوص نقش شخصیت ها در زندگی جوامع بشری، کتب و رسالات بی‌شمار نوشته و از تاثیر شخصیت ها در شکل گیری حوادث و وقایع گوناگون، سخن گفته اند.

در تاریخ پر فراز و نشیب ایران نیز با چهره های نامداری روبرو می شویم که گهگاه در جامعه ظهور کرده و در پرتو افکار والا و تلاش های خستگی ناپذیر خود، دگرگونی های بنیادینی را در زندگی مردم موجب شده اند.

از جمله شخصیت های آگاه و برجسته و تاثیر گذار تاریخ معاصر ایران، می توان از بزرگ مرد آزاده ای بنام: «داوود پیرنیا» یاد کرد که به علت آگاهی و شیفتگی فراوان به فرهنگ و تمدن ایران و رسالتی که برای حفظ و نگهداری این ودایع در خود احساس می کرد، از همه مقامات و مزایای مادی و دولتی چشم پوشید^۱ و حفظ و اشاعه و تحول و تکامل موسیقی های ملی ایران را وجهه همت خود قرار داده، با آفرینش برنامه گلهها، طی سال های محدودی،^۲ موسیقی ایران را تجدید حیات دوباره ای بخشید و هنری در حال احتضار را متحول ساخته، به طور وسیع به میان اقشار مختلف مردم برد و به آن چهره ای ستایش برانگیز داد.

برنامه گلهها را می توان بعد از تأسیس دارالفنون و نهضت مشروطیت و احداث دانشگاه تهران، از مهمترین رویدادهای هنری و فرهنگی چند صد سال اخیر ایران ارزیابی کرد؛ رویدادی که به گفته استاد علی تجویدی: «تاریخ قضاوت خواهد کرد که داوود پیرنیا برای اعتلای ادب و هنر موسیقی این مرز و بوم، چه زحماتی کشید و من ناچیز و سایر دوستان هنرمندم که متاسفانه بسیاری از آنها، روی در نقاب خاک کشیده اند، برای موسیقی گلهها، چه کرده ایم...»^۳.

^۱ به گفته داریوش پیرنیا فرزند داوود پیرنیا و هم چنین برنامه یادی از بزرگان موسیقی که وسیله مولود زهتاب تهیه شده است، داوود پیرنیا یک بار شانس نخست وزیری داشت و بار دیگر قرار بود به مقام سناتور منسوب شود که هیچکدام را نپذیرفت.

^۲ پیرنیا مدت ده سال سرپرستی گلهها را به عهده داشت و بعد از وی نیز این برنامه تا اوائل سال ۱۳۵۷ ادامه داشت. بدین ترتیب عمر برنامه گلهها جمعاً به حدود ۲۲ سال می رسد.

^۳ فصلنامه ره آورد، شماره ۵۸ سرگذشت استاد علی تجویدی

تحول های بنیادینی حاصل از برنامه گلهها، خلاصه نمی شد به خلق برنامه های مختلف موسیقی، اجرای آوازاها، آهنگها و ترانه های ماندگار، پرورش و معرفی خوانندگان و نوازندگان و ترانه سرایان با استعداد، جمع آوری موسیقی های محلی و تنوع بخشیدن به موسیقی سنتی ایران، ارتقاء کیفی ارکسترها و هارمونی کردن آهنگها و بازسازی تصنیف های قدیمی و بالاخره آشتی دادن جامعه سنتی ایران با نغمات جان پرور موسیقی. بلکه هنر بزرگ و ماندگار پیرنیا در آن بود که میراث عظیم هزارساله شعر پارسی را پشتوانه موسیقی ایران قرار داد و با استفاده از جاذبه های افسانه ای این دو پدیده دوست داشتنی نزد ایرانیان، آثار بدیع و ممتازی بنام «گلهها» پدید آورد که با آنچه در گذشته رواج داشت به کلی متفاوت بود.

برخی بر این باورند که بینش های عرفانی داوود پیرنیا، از عوامل موثر در آفرینش گلهها به شمار می آید. گرچه نمیتوان از تاثیر اندیشه های عرفانی در تلطیف احساسات فردی چون داوود پیرنیا، غافل بود، اما بسیاری از صاحب نظران و دست اندرکاران موسیقی گلهها و از آن جمله: علی تجویدی، همایون خرم، بیژن ترفی، تورج نگهبان، عبدالوهاب شهیدی و هم چنین بسیاری از مولفین کتب و مقالات موسیقی و از همه مهمتر گفتگوهای خود پیرنیا با روزنامه نگاران، حاکی از آن است که انگیزه اصلی خلق گلهها، پیوند بین شعر پارسی و موسیقی ایرانی و تاثیر متقابل این دو هنر متعالی بر یکدیگر بوده است.

داوود پیرنیا در سال ۱۲۷۹ خورشیدی در تهران، در یک خانواده بزرگ و قدیمی تولد یافت. پدرش حسن پیرنیا «مشیر الدوله» نخست وزیر پیشین و نویسنده تاریخ معتبر ایران باستان و عمویش حسین پیرنیا «موتمن الملک» بود که هر دو آنها از رجال آزاده و بزرگ و خوشنام اواخر دوران قاجار و اوائل دودمان پهلوی بشمار می رفتند.

داوود پیرنیا در مدرسه سن لوئی تهران به تحصیل پرداخت و پس از اتمام تحصیلات خود در ایران، عازم کشور سوئیس شد و در شهر لوزان به ادامه تحصیل پرداخت و در رشته حقوق، به اخذ درجه دکترا نائل آمد.

وقتی به ایران بازگشت، وزیر دادگستری وقت، شغل مهمی در حد مدیر کلی در وزارت دادگستری به وی داد، اما پدرش مشیر الدوله که در آن زمان نخست وزیر بود، از وزیر مزبور، علت واگذاری آن شغل مهم را به پسر خود جوینا شد. وزیر جواب داد: چون ایشان دکترای حقوق دارند و افراد تحصیل کرده مانند وی بسیار نادرند، این شغل به او داده شد که از اطلاعات

ایشان بیشتر استفاده کنیم. مشیرالدوله جواب می دهد که: داوود کمترین تجربه ای در کارهای اداری و قضائی ندارد و باید از پائین ترین مشاغل اداری شروع بکار کند. باین ترتیب داوود پرنیا خدمات دولتی را با تصدی شغل ضباطی که ساده ترین مشاغل اداری آن روزگار بود، در وزارت دادگستری شروع کرد و بتدریج ترقی نمود و مشاغل برتری بدست آورد. از اقدامات مهم پیرنیا در دادگستری، می توان از تاسیس کانون وکلای دادگستری نام برد.^۱

بعد از سالیانی چند، وی به وزارت دارائی انتقال یافت که در آن وزارت خانه نیز منشاء خدمات موثر و ارزشمندی بود که از آن جمله می توان به تاسیس اداره آمار و مطرح کردن اهمیت آمار در شاخص های اقتصادی و اجتماعی، اشاره داشت. پیرنیا مشاغل مختلف اداری را یک به یک پیمود و سالها بعد، در دوران نخست وزیری قوام السلطنه، به معاونت نخست وزیر منصوب شد.^۲

پیرنیا از کودکی شیفته شعر و موسیقی بود. به ادبیات پارسی صمیمانه عشق می ورزید، با نوازندگی ویلن و پیانو آشنائی داشت و همواره در این فکر بود تا راه کار مناسبی برای ترقی و تعالی موسیقی های اصیل ایرانی جستجو کند.

در سالهای بعد از شهریور ۱۳۲۰ خورشیدی، در باغ: «نظام السلطان خواجه نوری» در گلندوک تهران، خانقاهی وابسته به خانقاه «صفی علیشاه» برپا بود که همواره جمعی از بزرگان فرهنگ هنر ایران مانند: علی نقی وزیری، روح الله خالقی، حاج آقا محمد ایرانی مجرد، دکتر نور علی برومند، عبدالله دوامی، ابوالحسن صبا، ادیب خونساری، مهدی خالدی، حسین قوامی، مرتضی محجوبی، غلامحسین بنان، عبدالعلی وزیری، داوود پیرنیا و گروهی از ادبا و شعرا در آن حضور می یافتند و در زمینه های مختلف با هم گفتگو می کردند.

یکی از بحث های مهم آنها که عمیقا مورد توجه پیرنیا قرار داشت، پیدا کردن راه کارهای تازه و مناسب برای متحول ساختن موسیقی ایران بود، هنر والائی که قرون متمادی بر اثر تعصبات خام و یکسو نگرانه، روند تکاملی خود را بکلی از دست داده و به صورت پدیده ای بیمار و

^۱ مردان موسیقی سنتی و نوین ایران به کوشش حبیب الله نصیری فر- جلد اول

^۲ مردان موسیقی سنتی و نوین ایران به کوشش حبیب الله نصیری فر- جلد اول

مهجور درآمده بود. این بحث‌ها ذهن پویا و خلاق داوود پیرنیا را به خود جلب می‌نمود و به تدریج آفرینش برنامه گلها در ذهن او شکل گرفت.

سالها بعد، زمانی که دیگر پیرنیا از کار گلها کناره گرفته بود، در یک گفتگوی رادیویی با: «بیژن فرازی»، از داستان شکل‌گیری برنامه گلها چنین یاد کرد:

"من از اوان کودکی، علاقه فراوانی به گل، بخصوص به گل لاله داشتم. بخاطر دارم که در سویس، دبیر ادبیات ما تکلیفی داده بود که بر قطعه‌ای از: «ژان ژاک روسو»، شاعر و نویسنده فرانسوی زبان، تفسیری بنویسیم. وقتی برای چندمین بار آن قطعه را می‌خواندم، از خانه همسایه آهنگی به گوشم رسید که از نظر مفهوم، با قطعه روسو، تشابه داشت. رابطه آن شعر و آهنگ بقدری مشغولم کرد که به خانه همسایه رفتم و پس از عذرخواهی، اسم آهنگ را پرسیدم، گفتند: «تنهایی»، یکی از آثار غیرمشهور «شوپن» است. من صفحه‌ای از آنرا دست آوردم و شبی تحت تاثیر آن آهنگ، تفسیری نوشتم و در کلاس درس آنرا خواندم. معلمی داشتیم که فوق العاده سخت گیر بود، پس از شنیدن این تفسیر به هیجان آمد و وقتی داستان را برای او گفتم، گفت: «موسیقی شعر است و شعر موسیقی»، و هنگامی که این دو با توجه به مفهوم و معنا، با هم آمیخته شوند، تاثیر آنها دو چندان میگردد».

"سالها از این مقدمه گذشت و من پس از بازگشت به ایران، یک روز گفته آن استاد را برای شاعر بزرگوار: «نظام وفا»، نقل کردم، استاد هم این گفته را تائید کردند و من سالها آرزویم این بود که فرصتی فراهم آید و موفق شوم شعر پارسی و موسیقی ایرانی را در هم آمیزم، تا اینکه وقتی معاونت نخست وزیر را بعهده داشتم، خود را به این آرزو نزدیک دیدم، چرا که با همکاری دو صاحب ذوق عزیز، روح الله خالقی و رهی معیری، آهنگ و ترانه‌ای ساخته و پرداخته شد در وصف گل لاله که ارکستر انجمن موسیقی ملی آنرا اجرا کرد. این شعر و آهنگ از نظر نوع آهنگ و مفهوم شعر کاملاً با هم تطبیق میکرد و منظور من بر آورده شد!"^۱

در جلد سوم سرگذشت موسیقی ایران، تالیف استاد روح الله خالقی، داستانی که داود پیرنیا از آن یاد کرده به شرح زیر بیان شده است:

^۱ کتاب گلهای جاویدان و گلهای رنگارنگ، جلد اول «از تالیفات حبیب الله نصیری فر»

در سال ۱۳۲۶ خورشیدی، انجمن موسیقی ملی تصمیم گرفت که از قوام السلطنه نخست وزیر و هیات وزیران و جمعی از بزرگان مملکت دعوت بعمل آورد تا در کنسرت انجمن حضور یافته و با فعالیت های هنری آن آشنا شوند، باشد که کمک های مادی و معنوی آنها در ادامه فعالیت های هنری انجمن موثر واقع شود.

یکی از تصنیف های پرشوری که در کنسرت مزبور اجرا شد، قطعه ای بود از آثار روح الله خالقی، همراه با شعر، رهی معیری، بنام: لاله خونین» و یا «ای آتشین لاله» که در آن شب وسیله سه نفر از خوانندگان مشهور آن روزگار یعنی: عزت روح بخش، عبدالعلی وزیری و غلام حسین بنان خوانده شد و مورد توجه کامل حضار قرار گرفت. بنا به پیشنهاد داوود پیرنیا که در آن موقع معاون نخست وزیر بود، قرار شد در موقع اجرای این تصنیف، دخترانی چند، با سبدهای لاله آتشین، وارد سالن شده و گلها را به حضار هدیه بدهند. طرز اجرای این برنامه ابتکاری که از ذوق پیرنیا نشأت یافته بود، بسیار مطلوب جمع واقع شد، گو اینکه بعلت وضع خاص مملکت در آن سالها، دولت کمکی به انجمن موسیقی ملی نکرد، اما توزیع گلهای لاله در موقع اجرای موسیقی، پیرنیا را به این فکر انداخت که چند سال بعد، برنامه موسیقی گلها را بنیان نهد.^۱

در ادامه گفت و گو با بیژن فرازی، پیرنیا می گوید: پس از پایان کنسرت، ملک الشعراء بهار وزیر فرهنگ وقت اظهار داشت، «شعر و گل و آهنگ را شاعرانه بهم آمیخته اید»، و من این توفیق را بفال نیک گرفتم و خود را به تحقق کامل آرزوهایم نزدیک تر دیدم. چند سالی گذشت و زمانی رسید که به همکاری با اداره انتشارات و تبلیغات رادیو تهران دعوت شدم و من اجرای یک برنامه ادبی بنام «گلهای جاویدان» را پیشنهاد کردم.

اولین برنامه گلهای جاویدان با همکاری آقایان: احمد عبادی و عبدالعلی وزیری، به مدت ده دقیقه با مختصر گفتاری درباره حافظ در مایه بیات ترک با این غزل اجرا شد:

سلامی چو بوی خوش آشنایی
بر آن مردم دیده روشنایی

^۱ کتاب جلد سوم سرگذشت موسیقی ایران تألیف استاد روح الله خالقی که به کوشش دکتر ساسان سپینا تنظیم و منتشر شده است.

برنامه دوم هم با غزلی از دیوان شمس «مولانا» با صدای آقای بنان ضبط و اجرا گردید، با غزل مشهور:

من مست و تو دیوانه ما را که برد خانه صد بار تو را گفتم کم ده دوسه پیمان
سومین برنامه از سعدی، چهارمین برنامه از عراقی و به ترتیب سایر شعرای متقدم.

به اولین برنامه اشاره شد، آخرین برنامه ای که در زمان سرپرستی اینجانب در برنامه گلها ضبط شد، گلهای رنگارنگ شماره ۴۰۷ بود در مایه دشتی که آهنگ آن از مرتضی نی داوود و شعر ترانه از بهادر یگانه بود و با صدای عبدالوهاب شهیدی اجرا گردید، با این شعر:

آتشی در سینه دارم جاودانی سوز غم، سوزد روانم را نهانی^۱

همان گونه که پیرنیا در گفت و گو با بیژن فرازی اعلام کرد، موسیقی گلها با برنامه گلهای جاویدان در سال ۱۳۳۴ خورشیدی آغاز شد و در خلال برنامه های نوروزی سال ۳۳۵، قطعات دل انگیزی تحت عنوان گلهای جاویدان، بطرز بدیع و بی سابقه ای از رادیو پخش شد که بزودی مورد پسند دوستداران موسیقی قرار گرفت و صاحب نظران دریافتند که تحول ارجمندی در موسیقی ایران در حال شکل گیری است.

بعد از موفقیت هایی که گلهای جاویدان به دست آورد، پیرنیا به فکر توسعه این برنامه افتاد و برنامه های دلپذیر دیگری بنام: گلهای رنگارنگ، برگ سبز، یک شاخه گل، گلهای صحرائی بتدریج تولید و انتشار یافت که همه آنها بنحو بی سابقه ای با استقبال وسیع جامعه ایران، اعم از خواص و یا عوام روبرو شد.

وجوه مشترک همه این برنامه ها: موسیقی اصیل ایرانی، شعر و کلام ناب پارسی و بعضاً اندیشه های لطیف و دوست داشتنی عرفانی بود. اینک بطور مختصر برنامه های مزبور را مورد بررسی قرار داده و به شرح مختصات آنها می پردازیم:

۱- گلهای جاویدان

در آغاز این برنامه، دو بیت از اشعار معروف سعدی، به شرح زیر:

^۱ چهره های موسیقی ایران تألیف شاپور بهروزی - جلد اول

به چه کار آیدت ز گل طبقی از گلستان من ببر ورقی

گل همین پنج روز و شش باشد این گلستان همیشه خوش باشد

توسط گوینده خوش صدایی بنام: صدیقه رسولی «روشنک»، با احساسات تام و به وجهی بسیار بدیع و دلپذیر دکلمه می شد و با این دکلمه زیبا و مؤثر، فلسفه وجود برنامه گل‌های جاویدان، بنحو محسوسی به شنوندگان انتقال می یافت. همراه با این دکلمه، هنرمندی بنام: محمد شیر خدائی، نوازنده نامدار قره نی، با ساز خود نغمه دل آویزی را در مثنوی سه گاه می نواخت و با اوج و فرود نوای سازش، فضای روحانی خاصی برای اجرای شعر و موسیقی پدید می آمد.

گل‌های جاویدان، مجموعه ای بود از نثر و شعر و موسیقی که حدود ۴۵ دقیقه طول می کشید و گوینده خوش صدایی شرح احوال و منتخب اشعار شاعری را همراه با نوای ساز یکی از نوازندگان ممتاز، دکلمه می کرد. پس از وی، یکی از خوانندگان گل‌ها مانند: بنان، قوامی، ایرج و یا گلپایگانی، غزلی را به همراه یک یا دو ساز می خواند و نهایتاً برنامه با این جمله پر معنا و تاثیر گذار، پایان می پذیرفت:

«این هم گلی بود جاویدان از گلزار بی همتای ادب ایران»

«گلی که هرگز نمیرد»^۱

جمله گلی که هرگز نمیرد، تعبیری از پویائی و جاودانگی فرهنگ و هنر پارسی را بازتاب می داد و شنوندگان درمی یافتند که موسیقی و ادبیات ایران در مسیر مناسب و مطلوبی قرار گرفته است. در برخی از گل‌های جاویدان، اشعار چند شاعر در یک برنامه خوانده می شد و در هر حال، هر برنامه با رنگ و عطری خاص و لطف و تنوعی ویژه همراه بود.

از گل‌های جاویدان جمعا ۱۷۵ برنامه تهیه و از رادیو انتشار یافت.^۲

^۱ تارنمای کامپیوتری HARMONIA، نوشته اسماعیل جهانشاهی، دوشنبه دهم مهر ماه ۱۳۸۵ خورشیدی

^۲ در باب تعداد برنامه های گل‌ها در منابع مختلف، اندک تفاوت هایی دیده می شود. تنها منبع موثقی که می تواند باین اختلافات پایان دهد، آرشیو رادیو ایران است که کلیه گل‌ها و اطلاعات مربوط به هر برنامه را در اختیار دارد. ارقامی که در این باب ذکر شده است به نقل از کتب چهره های موسیقی ایران و هم چنین جلد اول کتاب گل‌های جاویدان و رنگارنگ تالیف حبیب الله نصیری فر است.

۲- گلهای رنگارنگ

با توفیق عظیمی که گلهای جاویدان بدست آورد، این اندیشه در ذهن خلاق داوود پیرنیا راه یافت که قطعات آهنگین موسیقی و به عبارت دیگر، آهنگ و ترانه نیز می باید در برنامه گلهای جایی داشته باشد، بخصوص آنکه اکثر ترانه ها و تصنیف های آن زمان که از رادیو پخش می شد، اصالت نداشت. اغلب آهنگها تحت تاثیر موسیقی های بیگانه مانند: ترکی، عربی، هندی، یونانی و غیره، از ملودی های غیر اصیل بود و اکثر ترانه ها از اشعاری سست و بی بنیان و کلمات و جملاتی بی معنا و فاقد مضمون و محتوای ادبی بوجود می آمد و موسیقی آهنگین ایران، به تحولی بنیادین نیاز داشت، بخصوص آنکه هنوز هارمونی کردن آهنگها در ایران معمول نشده بود و آهنگها بصورت تک صدائی اجرا می شد.

اجرای آهنگ و تصنیف در گلهای، نیاز به ارکستر داشت و برای تشکیل ارکستر و گردآوری هنرمندان واجد صلاحیت، اعتبار کافی مورد نیاز بود و رادیو تهران چنین اعتباری نداشت. لذا پیرنیا به سازمان برنامه روی کرد و با کوشش بسیار موفق شد تا اعتبار مورد نیاز را بدست آورد. بدین ترتیب ارکستر گلهای شکل گرفت و تهیه گلهای رنگارنگ میسر گردید. در آغاز تعداد نوازندگان ارکستر گلهای، از ۵-۶ نفر تجاوز نمی کرد، ولی به تدریج ارکستر مزبور بزرگتر و کامل تر شد و بالاخره بحدود ۶۰ نفر رسید و استادانی چون روح الله خالقی، جواد معروفی، علی تجویدی و همایون خرم، ارکستر مزبور را رهبری کرده و آهنگها و نغمه ها را با هارمونی های مناسب و گوش نواز و دلنشین، اجرا می نمودند.

تا آن زمان گروهی از روشنفکران غرب زده، بر این باور بودند که موسیقی ایرانی پدیده ای عقب افتاده و متحجر و غیر قابل اصلاح است و هیچ گونه تحول و تکاملی را پذیرا نیست. چند صدائی شدن آهنگها، در برنامه گلهای این نکته مهم را به اثبات رسانید که بر خلاف باورهای این گروه، موسیقی ایرانی، هنری است تحول پذیر، منتها باید هرگونه تغییری در آن بصورت گام بگام و تدریجی صورت گیرد تا گوش شنوندگان ایرانی با این تغییرات آشنا گردد. آهنگهایی چون: «آزاده»، «رفتم و بار سفر بستم»، «بسوزان» و «سنگ خارا» و «تو ای پری کجائی» که با هارمونی های مطلوب تنظیم یافته اند، نشانگر کار سترگی است که در برنامه های گلهای رنگارنگ انجام شد.

برنامه گل‌های رنگارنگ معمولاً با یک قطعه موسیقی آهنگین آغاز می‌شد و ارکستر، آهنگ بی کلام یک ترانه اصیل را می‌نواخت. آنگاه گوینده ای خوش آوا چند شعر که اغلب آنها از آثار شعرای متأخر و معاصر ایران بود، دکلمه می‌کرد، سپس یکی از خوانندگان گل‌ها، چند بیت از یک غزل را به آواز می‌خواند و آنگاه ترانه ای اصیل و دلنشین وسیله همان خواننده و یا خواننده ای دیگر اجرا می‌شد. سعی بر آن بود که ترانه‌ها وسیله خوانندگان زن مانند: مرضیه، الهه، پوران، عهدیه، هایده، مهستی و حمیرا و آوازه‌ها وسیله خوانندگان مرد اجرا شود، اما برخی اوقات این شیوه به هم می‌خورد. در نخستین برنامه گل‌های رنگارنگ، مرضیه، به همراه استاد علی تجویدی، ترانه ای خواند که با استقبال فراوان روبرو شد.

برای تهیه آهنگهایی که در گل‌های رنگارنگ اجرا شد، جمعاً از آثار حدود سی نفر از استادان آهنگساز، اعم از متقدم و یا متأخر، به شرح زیر، استفاده شده است: شیدا، عارف، درویش خان، جهانگیر مراد، علی نقی وزیری، روح الله خالقی، مرتضی محجوبی، مرتضی نی داوود، موسی معروفی، جواد معروفی، رکن الدین مختاری، شکری قهرمانی، مهدی خالدی، علی تجویدی، همایون خرم، پرویز یاحقی، حبیب الله بدیعی، محمود ذوالفنون، بدیع زاده، منصور، سیروس ساغری، وزیری تبار، ملاح، حسین یاحقی، فریدون حافظی، اسد الله ملک، لطف الله مجید، عباس شاپوری، میلاد کیانی.

ترانه‌هایی که در گل‌های رنگارنگ انتشار یافت، تحول بنیادینی را در امر آهنگ سازی و ترانه سرائی ایران موجب شد که شرح کامل آن به بررسی‌های بیشتر نیاز دارد. گل‌های رنگارنگ حدود ۳۰ دقیقه طول می‌کشید و نهایتاً با این جمله به پایان می‌رسید:

«همیشه شاد و همیشه خوش باشید»

از گل‌های رنگارنگ جمعا ۵۸۱ برنامه تهیه و از رادیو تهران (رادیو ایران) پخش شد. لازم به توضیح است که برنامه‌های گل‌های رنگارنگ از شماره ۱۰۰ شروع گردید و برخی از برنامه‌های آن به: الف و ب و پاره ای مواقع ث نیز تنظیم و اجرا می‌شد که جمعا حدود ۵۸۱ برنامه را شامل می‌گردد.

۳- برگ سبز

این برنامه بازتاب تفکرات عرفانی داوود پیرنیا بود و منحصر با ساز و آواز و شعر خوانی اختصاص داشت و در آن آهنگ و تصنیفی خوانده و یا اجرا نمی شد. برگ سبزه‌ها غالباً با ساز تنهای یکی از اساتید نوازنده آغاز می گشت و بعد از دکلمه برخی اشعار عرفانی، خواننده خوش آوایی مانند ادیب خونساری، سید جواد ذبیحی، اکبر گلپایگانی، غلامحسین بنان، محمودی خونساری، حسین خواجه امیری (ایرج)، عبدالوهاب شهیدی، حسین قوامی، محمد رضا شجریان، جمال وفائی، رشید مستقیم، انوشه، خاطره پروانه، عبدالعلی وزیری، نوذر، ناصر مسعودی، خانم فرح و بالاخره تاج اصفهانی، حدود ۱۵ دقیقه موسیقی آوازی پر شوری را اجرا می نمودند و پس از آن بار دیگر، دقایقی چند، ساز تنها پخش می شد و برنامه برگ سبز در فضای روحانی دلپذیری به اتمام می رسید. آوازهای ذبیحی، بدون همراهی ساز بود ولی آواز دیگر خوانندگان را ساز دلنواز برجسته ترین نوازندگان، همراهی می کرد. این برنامه در شب های جمعه از رادیو پخش می شد، در آغاز هر برگ سبز، گوینده ای خوش آوا، دو بیت از اشعار فریدالدین عطار نیشابوری را بشرح زیر دکلمه می کرد:

چشم بگشا که جلوه دلدار
به تجلی است از در و دیوار
این تماشا چو بنگری گوئی
لیس فی الدار، غیره دیار

در پایان هر برنامه برگ سبز، این شعر عراقی دکلمه می شد:

زیبید که به درگاهت، نومید نگردهد باز آن کس که به امیدی بر خاک درت افتد

و آنگاه با این جمله صوفیانه: «اینهم برگ سبزی بود تحفه درویش، علی نگهدارتان»، برنامه پایان می پذیرفت. در گلهای جمعا ۳۱۲ برنامه برگ سبز تهیه و از رادیو منتشر شد. اولین برنامه برگ سبز با همکاری جلیل شهناز، حسن کسائی و جواد ذبیحی تهیه شد و به شهرتی ماندگار دست یافت.^۱

۴- یک شاخه گل

«شاخه گل» معمولاً برنامه‌ای بود که حدود ۱۵ دقیقه طول می کشید و به معرفی یک شاعر و ذکر

^۱ یادی از بزرگان موسیقی ایران، برنامه رادیویی مولود زهتاب.

چند بیت از آثار او اختصاص داشت و در پایان یکی از ترانه‌هایی که در گل‌های رنگارنگ منتشر شده بود و دوستان بسیار داشت پخش می‌شد به این ترتیب در غالب «شاخه گل‌ها» موسیقی آوازی وجود نداشت. مع‌هذا برخی اوقات این ترتیب به هم می‌خورد و موسیقی‌های آوازی نیز اجرا می‌شد و بعضاً مدت اجرای این گونه شاخه گل‌ها به ۴۰-۵۰ دقیقه نیز می‌رسید.

۵- شاخه گل مخصوص:

تحت عنوان شاخه گل مخصوص، ۲۲ برنامه، به مناسبت اعیاد و جشن‌ها و بزرگداشت و یا درگذشت هنرمندان بزرگ، تولید و منتشر شد که مدت اجرای آنها بعضاً به ۴۵ دقیقه هم می‌رسید، مانند شاخه گل مخصوصی که به مناسبت درگذشت مرتضی محجوبی تهیه شده و یکی از دل‌آویزترین شاخه گل‌های مخصوص به شمار می‌آید. در این شاخه گل‌ها، نوشته‌ها اغلب به قلم سحر خود داوود پیرنیاست.

در برنامه گل‌ها جمعاً ۴۶۵ شاخه گل، اعم از شاخه گل‌های معمولی و یا شاخه گل مخصوص تولید و از رادیو منتشر گشته است.^۱

۶- گل‌های صحرائی

این برنامه ویژه معرفی آهنگها و ترانه‌های محلی ایران بود و خوانندگانی چون: سیما بینا، ناصر مسعودی، ویگن و دیگر خوانندگان خوش آوای محلی، با خواندن ترانه‌های زیبای مناطق مختلف ایران، تنوع دلپذیری به برنامه گل‌ها می‌بخشیدند. انتشار این برنامه‌ها از رادیو ایران، موجب می‌شد تا مردم سرزمین‌های گوناگون ایران با ادبیات غنی و موسیقی‌های آهنگین بومی و گویش‌های دیگر اقوام ایرانی آشنا شده و هم‌بستگی بیشتری بین آنها بوجود آید.

خوشبختانه بعد از توقف برنامه گل‌ها در سال ۱۳۵۷، سیما بینا و دیگر هنرمندان با استعداد محلی، توسعه این برنامه‌های ارزنده را مورد توجه قرار داده و بسیاری از آثار محلی ایران را به وجهی

^۱ چهره‌های موسیقی ایران

بدیع و ماندگار اجرا کرده اند. در حقیقت، گلهای صحرایی تنها بخشی از گلهاست که به حیات خود ادامه داده است. در برنامه گلهها جمعاً ۶۲ برنامه از گلهای صحرایی منتشر شده است.

بررسی علل و عوامل موفقیت برنامه های گلهها

قرنها می گذشت که روند تکاملی موسیقی اصیل ایرانی متوقف مانده و تحول قابل ملاحظه ای در آن راه نیافته بود و یکنواختی آوازاها و نغمه ها و سکون و توقف حقیرانه ای که این موسیقی را در بر گرفته بود، یاس و اندوه دوستداران موسیقی ایرانی را فراهم می ساخت.

همان گونه که قبلاً اشاره شد، بسیاری از روشن فکران و تحصیل کرده های اروپا و آمریکا، بخصوص روشن فکران طیف چپ، همواره این فکر خام و ناصواب را القا می کردند که موسیقی سنتی ما، در مقام مقایسه با موسیقی مغرب زمین، پدیده ای بی ارزش و عقب افتاده است که جز در محافل و مجالس عیش و نوش، کاربرد دیگری ندارد و در تحقیر و تحریم آن، کوشش های فراوان بعمل می آوردند و سالهای بسیار، حتی آموزش آنرا در هنرستانهای موسیقی حذف کردند. این افراد با پیشنهادهای تند و انقلابی خویش، مصرانه میخواستند تا همه دست آوردهای گذشته موسیقی ایران، به یک سو نهاده شود و این هنر اصیل از ریشه و بن تغییر یابد و بر اساس موازین و معیارهای مغرب زمین شکل گیرد. در برابر این گروه، هنرمندانی چون علی نقی وزیری، روح الله خالقی و ابوالحسن صبا قرار داشتند که به باور آنها، موسیقی ایرانی، بخش مهم و قابل اعتنائی از تاریخ و فرهنگ و سنت های متعالی و دیرپای این مرز و بوم را نمایندگی می کند و حفظ و نگهداری و اصلاح و انتشار آن، از مهمترین وظائف ملی ایرانیان است، منتها برای تکامل و اصلاح آن باید راه کارهای مناسب و مطلوب جستجو کرد.

داوود پیرنیا از اندیشمندان و نظریه پردازان نابغه ای بود که در مناسبت ترین زمانها ظهور کرد و بر خلاف دیگر روشن فکران پر مدعا که سر و صدای آنها همواره از حد ثوری های بی مایه و شعارهای میان تهی تجاوز نمی نماید، نخست از همه مشاغل و مناصب اداری و سیاسی مهمی که داشت چشم پوشید،^۱ سپس وارد میدان عمل شد و مناسب ترین راه کارها را برای اعتلاء

^۱ در تاریخ ایران چشم پوشی دولت مردان بزرگ از مناصب و مشاغل دولتی، بمنظور مسائل معنوی، امر بی سابقه ای نیست. از نمونه های متقدم آن می توان از کناره گیری شیخ علاء الدوله

موسیقی ایران ارائه داد. راه کارهایی که در عمل درستی آنها به اثبات رسید و هنر موسیقی ایرانی در مدتی کوتاه، با تحولاتی مطلوب همراه شد، تا حدی که تاریخ ایران همواره از آن دوران، به عنوان دوران تجدید حیات «رنسانس» موسیقی ایران یاد خواهد کرد.

این راه کارها به طور مختصر، بشرح زیر است:

الف: از مهمترین مشخصه های برنامه های گلها که بی تردید از عوامل اساسی موفقیت آن بشمار می آید، اصیل بودن موسیقی های این برنامه است. پیرنیا بر این باور بود که ارزش والای گلها در آن است که در بستر تاریخ و فرهنگ و هنر ایران پیشرفت کند و جز عطر و رنگ فرهنگ ایرانی، رنگ و بوی دیگری را نپذیرد. به همین جهت هرگز اجازه نداد که جز نوای موسیقی اصیل و ترانه های محلی ایران، هیچ موسیقی دیگری در گلها منتشر شود.

ب: از دیگر ابتکارهای موثری که پیرنیا در برنامه گلها ارائه داد و در این نوشته به کرات از آن گفته ایم، تلفیق هنرمندانه شعر و موسیقی و کمک گرفتن از جاذبه های پر افسون شعر پارسی برای انتقال بهتر و عمیق تر مفاهیم موسیقی و هم چنین تاثیر متقابل موسیقی در القاء بهتر و مطلوب تر مفاهیم شعری به شنوندگان پارسی زبان بود. بطور مثال صدها سال است که ما ایرانیها با شعر سعدی و حافظ و مولانا زندگی میکنیم، اما وقتی ادیب خونساری، به همراه نوای دل انگیز ساز جلیل شهناز و پرویز یاحقی در برنامه برگ سبز می خوانند:

سعدی شوریده بی قرار چرائی در پی چیزی که بر قرار نماند؟^۱

کلام جادویی سعدی بنحو موثری بر دل و جان شنونده می نشیند و مفاهیم بسیار عمیق تر و ملموس تری از شوریدگی، همه وجود وی را تسخیر می کند. خود پیرنیا می گوید:

"معانی و مفاهیم وقتی با بیان لطیف ادا شد، بر دل می نشیند. بیان لطیف و موزون از مظاهر تمدن است، تمدنی که طی قرون متمادی سیر تکاملی پیموده و از نظر معنوی به درجه عالی رسیده باشد. شعر پارسی از نظر کمیت و کیفیت در دنیا بی نظیر است و یکی از نمودارهای تمدن عمیق

سمنانی از وزارت غازان خان مغول یاد کرد که پس از کناره گیری از کار، زندگی خود را یکسره وقف نیکوکاری و خدمت به نیازمندان و ارشاد مردم نمود.

^۱ برگ سبز شماره ۳۶ که با همکاری ادیب خونساری و جلیل شهناز و پرویز یاحقی بوجود آمده است، از شاهکارهای موسیقی آوازی است.

و ریشه دار ایران به شمار می آید. من شناساندن این گونه مظاهر تمدن ایران را افتخاری بزرگ می دانم و به قدری به این کار علاقه مندم که از هر آنچه غیر آنست بگسسته ام.^۱

با این ابتکار که عملاً کارآیی آن به ثبوت رسید، موسیقی ما تحولات مطلوبی را تجربه کرد و شنوندگان گلها، درک بهتر و روشن تر و لطیف تری نسبت به شعر و موسیقی پیدا کردند، بخصوص که گویندگان خوش آوایی چون: صدیقه رسولی (روشنک)، آذر پژوهش، تقی روحانی، اسدالله پیمان، شمسی فضل اللهی، فیروزه امیر معز، نورالدین ثابت ایمانی، فخری نیکزاد، سرور پاک نشان، فروزنده اربابی، شکوه رضائی، مهناز، مولود کنعانی، رضا معینی، بهرام سلطانی، امیر نوری، ایراندخت پرتوی، کوکب پرنیان، محمد سلطانی، مرتضی اخوت، مولود عاطفی و قدسی رهبری، اشعار ناب پارسی را به وجهی بدیع و تاثیر گذار دکلمه می کردند و ترکیب دلپذیر و پر شوری از نثر و شعر و موسیقی ارائه می دادند.^۲

ج- عامل موثر دیگر در توفیق برنامه گلها آن بود که برخی از این برنامه ها، وسیله مطلوبی برای انتقال مفاهیم عرفان ایرانی به شمار می آمد. به نوشته داریوش پیرنیا فرزند داوود پیرنیا، تعبیر: «گلی که هرگز نمیرد»، نمادی از پویایی و جاودانگی تاریخ و فرهنگ ایرانی است و گلهای جاویدان که به شرح احوال شعرا و عرفای ایرانی و آثار آنها می پردازد و مجموعه ای از نثر و شعر و موسیقی عرفانی است، در حقیقت گوشه ای از یک بزم عارفانه است.^۳ در برنامه های برگ سبز نیز اندیشه های عارفانه پیرنیا، به روشنی تجلی یافته و راز و رمزهای ادبیات عرفانی ایران، بمدد موسیقی به شنوندگان انتقال پیدا می کند.

د - شناخت فراوان و همه جانبه ای که پیرنیا از ادبیات پارسی و موسیقی ایرانی داشت وی را یاری می داد تا در انتخاب اشعار مناسب و موسیقی های مطلوب و تلفیق آنها با یکدیگر، در نهایت استادی و هنرمندی عمل کند، بطور مثال هرگز موسیقی های غم انگیز را با اشعاری که شادی بخش بود بهم نمی آمیخت. پس از انتخاب شعر و انتخاب موسیقی مناسب برای آن، نوار

^۱ جلد اول کتاب گلهای جاویدان و گلهای رنگارنگ.

^۲ این فهرست از کلکسیون برنامه های گلها متعلق به دکتر خسرو سهراب مقیم کالیفرنیا، نقل شده است.

^۳ فصلنامه میراث ایران چاپ شهر واشنگتن آمریکا، شماره ۲۷ (پائیز سال ۱۳۸۱) خورشیدی و هم چنین نامه داریوش پیرنیا به نگارنده این مقاله.

ضبط شده را بارها و بارها می شنید و حتی آن را برای کسانی که به دیدارش می آمدند پخش می کرد و نظریات آنها را جویا می شد. در جریان ضبط برنامه ها بسیار جدی و سخت گیر بود و نهایت درجه دقت می کرد تا کلمات و جملات اشعار، بطور صحیح و شفاف و گرم و پر شور خوانده شود. چنانچه کمترین ضعف و اشکال در اجراها می دید، تکرار آن را خواستار می شد. استاد علی تجویدی برای نگارنده تعریف کرد که جریان ضبط ترانه مشهور: «مرا عاشقی شیدا»، بیش از شانزده ساعت بطول انجامید و این زمان غیر از روزها و ساعاتی بود که ارکستر و خواننده، اجرای این ترانه را تمرین کرده بودند. تجویدی می گفت هر بار که ارکستر ترانه مزبور را مینواخت و خواننده آن را می خواند، بعلت اشکال کوچکی که معمولا پیش می آید، پیرنیا آن را نمی پذیرفت و عمل ضبط بارها تکرار شد. در برخی موارد این تکرارها به سی بار هم می رسید.^۱

ه- پیرنیا در برنامه های گلها، تنها به معرفی شعرای نامدار متقدم و یا معاصر ایران اکتفا نمی کرد. او به مدد یاران ادیب و شاعر خود مانند: بدیع الزمان فروزان فر، جلال همائی، رهی معیری، پژمان بختیاری، دکتر لطف علی صورتگر، دکتر ضیاء الدین سجادی و دیگر صاحب نظران، آثار بسیاری از شعر او گویندگان پارسی گوی را که جز برخی از خواص، کسی با نام و آثار آنها آشنائی نداشت، بررسی می کرد و اشعار ناب و شرح احوال آنها را در برنامه های مختلف گلها انتشار می داد.

با اجرای موسیقی گلها بود که نام و نشان و آثار بسیاری از شعراء پارسی زبان به گوش مردم ایران رسید و همگان در نهایت شگفتی دریافتند که دامنه نفوذ و انتشار زبان پارسی و فرهنگ و تمدن ایران، تا چه مناطقی در جهان گسترش داشته است.

به این ترتیب، بر اثر آشنائی مردم با این شعرا و اظهار علاقه به اشعار آنها، دیوان بسیاری از سخن سرايان گمنام بچاپ رسید و نام و شهرت آنها از زیر گرد و غبار زمان بیرون آمد و اشعار نابشان بر زبانها جاری شد.

^۱ سازنده آهنگ: «مرا عاشقی شیدا» استاد علی تجویدی و سراینده شعر آن دکتر منیر طه است که در سه گاه بوجود آمده و وسیله غلامحسین بنان در برنامه گلهای رنگارنگ خوانده شده است. این ترانه از نظر عمق و محتوا و زیبایی و گرمی، از ترانه های حد به شمار می آید.

به لحاظ اهمیت فراوانی که این گسترش فرهنگی در جریانات ملی و میهنی ما دارد، نام برخی از شعرای گمنام و یا نیمه معروف که آثارشان در برنامه های گلها اجرا شده است، در فهرست پیوست به این مقاله، به نظر خوانندگان می رسد. بدیهی است این فهرست در برگزیده نام همه سخن سرایانی نیست که آثارشان در گلها اجرا شده است.^۱

و- برنامه گلها کانونی درخشان و محیطی مطلوب برای جذب هنرمندان و افراد با استعداد بود و بتدریج افرادی که دارای استعداد هنری بودند، به ندای صادقانه داوود پیرنیا پاسخ مثبت دادند و به گلها پیوستند که حاصل کار گروهی آنها، آثار ماندگاری است که برای سالهای بسیار بر تارک تاریخ ایران خواهد درخشید. این برنامه علاوه بر جذب اساتید نامدار شعر و موسیقی، بستر مناسبی برای رشد و پرورش جوانهایی که در سر سودائی داشتند نیز فراهم ساخت و چون دانشگاهی پر جاذبه، بسیاری از صاحبان ذوق و هنر و اندیشه را بخود جلب کرده، امکانات لازم را برای ترقی و بالندگی آنها به وجود آورد و اجازه داد تا این افراد با استعداد و بعضا نابغه، راه شهرت و موفقیت را تا قله های افتخار طی کنند.

در حقیقت بعد از تأسیس دارالفنون و نهضت مشروطیت ایران و تأسیس دانشگاه تهران، هیچ جریان اجتماعی دیگری را نمی شناسیم که مانند «برنامه گلها»، چنین تاثیر عظیم و مثبت و همه جانبه ای را بر زندگی جوانان هنرمند ایران باقی نهاده باشد.

از میان هنرمندان ارجمند و با استعدادی که از آغاز کار گلها تا پایان آن، به این برنامه پیوستند و آثارشان به ماندگاری دست یافت، میتوان از گروههای زیر یاد کرد:

۱- خوانندگان:

عبدالعلی وزیری، ادیب خونساری، تاج اصفهانی، غلامحسین بنان، حسین قوامی (فاخته ای)،

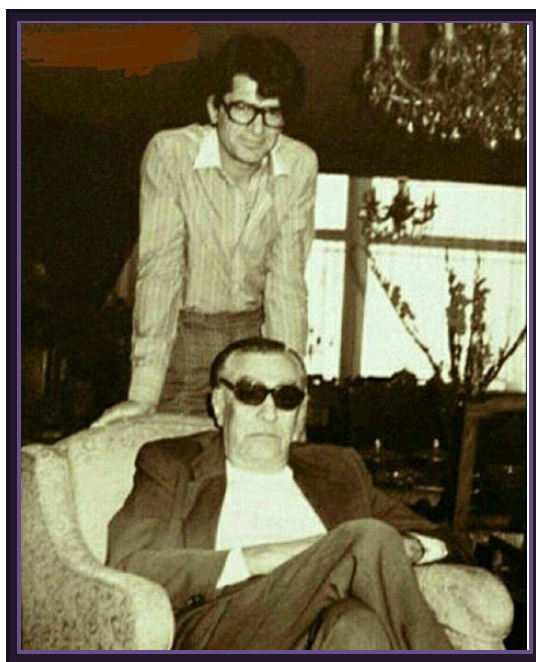
^۱ این فهرست ها از کلکسیون دکتر خسرو سهراب که مجموعه گرانقدری از برنامه های گلها را در اختیار دارد و هم چنین با استفاده از: جلد اول گلهای جاویدان و گل های رنگارنگ تالیف نصیری فر و کتاب گلهای جاویدان به کوشش رهی معیری تهیه شده است. مغلذا باید گفت که این فهرست ها کامل نیست.



سکینه دده بالا (هایده) خدیجه دده بالا (مهستی)

سیما بینا

اکبر گلپایگانی، عبدالوهاب شهیدی، محمود محمودی خونساری، حسین خواجه امیری (ایرج)، نادر گلچین، سید جواد ذبیحی، کورس سرهنگ زاده، ویگن دردریان، ناصر مسعودی، محمد رضا شجریان، جمال وفائی، خانم روح بخش، خانم فرح، اشرف السادات مرتضائی (مرضیه)، فرح دخت طاقانی (پوران)، بهار غلامحسینی (الهه)، خدیجه دده بالا (مهستی)، پروانه امیر افشار (حمیرا)، پروین زهرائی منفرد (پروین)، سکینه دده بالا (هایده)، سیما بینا، سیمین غانم، پریسا، عهدیه.



محمد رضا شجریان و غلامحسین بنان

بدیهی است این فهرست در برگیرنده نام همه خوانندگان گلها نیست، بطور مثال عماد خراسانی، دادبه، درویش امیر حیاتی، انوشه و عده ای دیگر بودند که در یک یا چند برنامه گلها، مشارکت داشتند، اما چون خدمت آنها مستمر نبود، از ذکر نام آنها خودداری شده است.

۲- نوازندگان و موسیقی دانان

روح اله خالقی، ابوالحسن صبا، احمد عبادی، مرتضی محجوبی، علی تجویدی، جواد معروفی، حبیب الله بدیعی، پرویز یاحقی، مهدی خالدی، حسن کسائی، لطف الله مجد، جلیل شهناز، فرهنگ شریف، فرامرز پایور، رضا ورزنده، منصور صارمی، مجید نجاحی، فضل الله توکل، انوشیروان روحانی، همایون خرم، حسین تهرانی، محمد اسماعیلی، ناصر فرهنگ فر، امیر ناصر افتتاح، اسدالله ملک، جهانگیر ملک، هوشنگ ظریف، فرید فرجاد، جواد لشگری، بزرگ لشگری، فریدون شهبازیان، محمد موسوی، حسن ناهید، محمد میر نقیعی، اصغر بهاری، شاپور حاتمی، فرهاد فخرالدینی، محمد رضا لطفی، ناصر زر آبادی، منصور نریمان، حسین همدانیان، رحمت الله بدیعی، محمد شیرخدائی، سیمین آقارضی، پروین صالح (ظریف)، گیتی وزیری



ویگن و دلکش

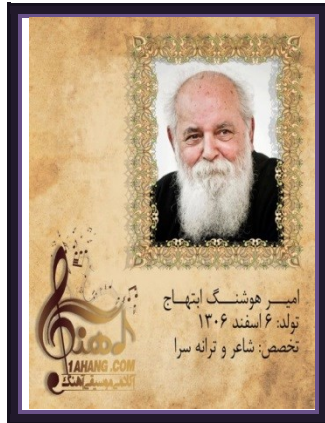
تبار، محمد شیر خدائی، نصرالله زرین پنجه، سلیم فرزانه، سیروس حدادی، کامران داروغه، محمود تاج بخش، محمود ذوالقنون، حسین یوسف زمانی، حسن یوسف زمانی، آبتین اجلالی و دهها نوازنده برجسته دیگر که ذکر نام همه آنها در این مختصر نمی‌گنجد.

۳- از ترانه سرایان: نام ترانه سرایان و شعرای با استعدادی که به گلها پیوستند و طی چند سال ترانه سرائی ایران را دگرگون کردند و دل انگیزترین مفاهیم و مضامین را در قالب کلمات و جملاتی دلنشین و پرشور بوجود آوردند، فهرست طویلی را تشکیل می‌دهد که نمیتوان آن فهرست را در این نوشته جای داد، ناگزیر به ذکر برخی نامها اکتفا می‌شود:



رهی معیری، اسماعیل نواب صفا، نظام فاطمی، بهادر یگانه، تورج نگهبان، دکتر منیر طه، رحیم معینی کرمانشاهی، کریم فکور، بیژن ترقی، سیمین بهبهانی، امیر هوشنگ ابتهاج، جهان بخش پازوکی، پژمان بختیاری، ابوالحسن ورزی.

۴- موفقیت‌های برنامه گلها، نه تنها مرهون شعراء، ترانه سرایان، نویسندگان، موسیقی‌دانها و گویندگانی است که در شکل‌گیری «گلها» مشارکت موثر داشتند، بلکه گروههای دیگری نیز مانند صدابرداران و دیگر تکنسین‌ها، در این افتخارات سهم فراوان دارند و موسیقی گلها عمیقاً



وامدار آنهاست. بالاخره نمی توان از نقش کار ساز مردم ایران، صاحب دلانی که هر روز منتظر شنیدن برنامه های گلها بودند و با این برنامه ها روابط عاطفی و احساسی داشتند غافل بود و از تاثیر متقابل آنها بر کیفیت برنامه های گلها سخن نگفت.

ز- از عوامل موثر دیگری که در شکل گیری موفقیت آمیز برنامه های گلها، موثر بود، باید از رقابت های سالم و سازنده ای یاد کرد که در بین هنرمندان و مجریان این برنامه ها وجود داشت و کیفیت برنامه ها را بنحو چشم گیری ارتقاء می داد.

پیر نیا همواره کوشش می کرد که برنامه گلها در محیطی سالم و بستری امن و پر از معنویت رشد کند و مقام اجتماعی هنرمندان که طی قرون گذشته به شدت مخدوش شده بود، کاملا محفوظ و محترم باقی بماند و جامعه ایران بر خلاف گذشته، جایگاه والای هنرمندان را باز شناسد. انصاف آنکه او در این زمینه هم موفقیت بسیار داشت.

ح- گرچه اکثر نویسندگان و پژوهش گران ادبی آن روزگار با برنامه گلها، همکاری داشتند و از نوشته ها و آثار آنان، در جای «گلها»، استفاده می شد، ولی به تصدیق متخصصین فن، گفتارهای آغازین برنامه گلها که از نثری بسیار شیرین و دلنواز مایه گرفته بود و عموماً به قلم خود داوود پیرنیا و از تراوشات قلم افسونگر آن مرد ظریف عاشق پیشه بود، سهم مهمی در موفقیت برنامه گلها داشت. موفقیتی که هیچ یک از دست اندر کاران بعدی گلها نتوانستند بدان دست یابند.^۱

^۱ از پشت دیوارهای خاطره، خاطرات هنری بیژن ترقی، ترانه سرای معروف، صفحه ۱۴۵

ط. بالاخره از دیگر عوامل موفقیت این برنامه، باید از نوجوئی ها و نوگرایی هایی یاد کرد که نقش مهمی در اعتلاء گلهها داشتند. بسیاری از هنرمندان گلهها، در دیگر برنامه های رادیو نیز مشارکت داشتند، اما کیفیت کار آنها با آنچه در گلهها می آفریدند، متفاوت بود و این اکسیر نوگرایی گلهها بود که به آفرینش های هنری آنها، جلوه ای ماندگار می داد.

پایان کار داوود پرنیا و سرانجام برنامه گلهها:

در سال ۱۳۴۳ خورشیدی، در حالیکه پرنیا در دفتر کار خود مشغول بود، احساس ناراحتی قلبی می کند و راهی بیمارستان می شود. پس از معالجه بار دیگر با تنی رنجور، فعالیت های توان فرسای خود را پی می گیرد، اما بعلت نارسایی های قلبی و حق ناشناسی یکی دو تن از همکاران گلهها، وی در نهایت تاسف و تاثر، در سال ۱۳۴۴، از سمت خود استعفاء داد و نهاد فرهنگی و هنری والایی را که با خون جگر پایه گذاری کرده بود، به دیگران واگذار نمود.

سالها قبل، کمال الملک، نقاش بزرگ گفته بود، اگر آماده سوختن نیستی، هرگز به هنر رو مکن. داوود پرنیا از کودکی آماده سوختن بود، بی پروا به میدان هنر شتافت و سرانجام جان شیفته ای که طی زمانی نه چندان طولانی، رنسانس موسیقی ایران را بنیاد نهاد، در سال ۱۳۵۰ خورشیدی، در سن ۷۱ سالگی به ابدیت پیوست.



در افسانه های کهن آمده است که در دیاری دور دست، در ظلمات، چشمه ای است به نام چشمه حیوان که هر کس جرعه ای از آن بنوشد، به زندگانی جاوید دست خواهد یافت. پیدا کردن این چشمه کاری است بس دشوار و طاقت فرسا و بسیاری از جویندگان آن، از تحمل خستگی ها و رنجهای بی پایانی که در سفر به این دیار وجود دارد، به تنگ آمده و از نیمه های راه بر می گردند. تنها معدودی از ابناء بشر می توانند به این چشمه حیات بخش برسند و عمر ابدی پیدا کنند. بی تردید، داوود پیرنیا از معدود انسانهایی است که بدین سرچشمه راه یافته و زندگی ابدی یافته است.

موسیقی گلها بعد از پیرنیا:

بعد از رفتن پیرنیا، مدیریت برنامه گلها به محمد میر نقیبی، آهنگ ساز و نوازنده ویلن سپرده شد که با کمک و همکاری رهی معیری، برنامه ها را ادامه داد. بعد از مرگ رهی، پژمان بختیاری با میر نقیبی همکاری داشت و سرانجام مسئولیت گلها به عهده امیر هوشنگ ابتهاج «ه. الف. سایه» شاعر معروف واگذار شد و او "گلهای تازه" را بنیاد نهاد که تا سال ۱۳۵۷ ادامه داشت و جمعا ۲۰۱ برنامه گلهای تازه تهیه و از رادیو ایران پخش شد. گلهای تازه شامل موسیقی و آواز و ترانه و دکلمه شعر از یک شاعر بود. ابتهاج و یارانش سعی بسیار داشتند که عمق و محتوا و اصالت کارهای پیرنیا محفوظ بماند، اما زمانه عوض شده بود و هنرمندان جدیدی در اجرای گلهای تازه ابتهاج یاری می دادند و طبعاً آثاری که خلق شد، عطر و رنگی خاص داشت.

با وجودیکه بیش از چند دهه از آفرینش برنامه گلها سپری نشده است به سبب ویژه گیهای ممتاز و بی نظیر ادبی و هنری که در این مجموعه گرانقدر فراهم آمده است، هم اکنون گنجینه گلها، مانند شاهنامه فردوسی، گلستان سعدی، مثنوی معنوی، دیوان حافظ و خمسه نظامی، یکی از نهادهای اصیل فرهنگی و هنری ایرانیان بشمار رفته و بعد از قرون پنجم و ششم هجری که دوران رنسانس شعر و ادب ایران است، دوران گلها، تابناک ترین سالهای تجدید حیات فرهنگی و هنری پارسی گویان جهان بشمار می آید.

بجاست که این نوشته را با جملات از دل و جان برخاسته استاد پرویز یاحقی که سالها یار و همکار داوود پیرنیا بود، به پایان ببریم:

«من سالها گفته ام و امروز نیز عقیده دارم که خدمات داوود پیرنیا در حیطه موسیقی و ادبیات غنی و بی بدیل کشور عزیزمان ایران، هیچگاه از نظر صاحب نظران محو نخواهد شد و تا سالیان سال، مانند سایر پدیده های هنری ایران زمین به یادگار خواهد ماند. بی تردید باید اذعان کرد که خدمات آن شادروان به هنر موسیقی ایران آن چنان عظیم و خاطره انگیز بوده و هست که نه امروز، بلکه نسل های آینده هم، آثار گرانبهای آن مرد دانشمند را به خاطر خواهند داشت و هیچ گاه وی را فراموش نخواهند کرد.»^۱

دریغ است که این نوشته پایان پذیرد، بی آنکه از مساعدت های بنیادین، موثر و فراموش نشدنی نصرت الله معینان، وزیر پیشین اطلاعات در شکل گیری و موفقیت و تداوم موسیقی گل ها یاد نشود. بدون کمترین تردید، نقش درخشان این مدیر لایق، خوش فکر و سازنده از مهم ترین عوامل گسترده موفقیت این برنامه به شمار می رود و نام او در تاریخ ایران همواره در یادها خواهد ماند.

در گفتگوهایی که نویسنده این مقاله سال ها قبل با استادان علی تجویدی، همایون خرم، فرهنگ شریف، تورج نگهبان و بیژن ترقی داشتم و علل موفقیت و شکوفایی این برنامه ها را با هم بررسی می کردیم، همه آنها بر این باور بودند که اگر علاقه مندی و کمک های بیدریغ و مستمر معینان در میان نبود و محیط امن و مساعدی برای اجرای برنامه ها فراهم نمی شد، امکان نداشت که گل ها به چنین موفقیت های درخشانی دست یابند.

بدون تردید تا زمانی که نغمه های دل آویز موسیقی گل ها در پهندهشت ایران، دل ها و جان ها را تسخیر می کند، نام نصرت الله معینان و داوود پیرنیا هرگز فراموش نمی شود. به گفته استاد شفیعی کدکنی:

تا نگویند که از یاد فراموشاند

نامشان زمزمه نیم شب مستان باد

پایان

پی نوشت

^۱ فصلنامه ره آورد چاپ آمریکا، شماره ۳۹ (تابستان سال ۱۹۹۵ میلادی صفحه ۲۸۶).

فهرست برخی از شعرای غیر مشهور که قبل از اجرای برنامه موسیقی گلها، جز معدودی از خواص، دیگران با نام و آثار آنها چندان آشنائی نداشتند، از این قرار است:

سروش اصفهانی	عاشق اصفهانی	طیب اصفهانی	مشتاق اصفهانی	داعی اصفهانی
صبحی بگدلی	رضی آرتیمانی	طاهر انجدانی	خلیلی افغانی	اثرالدین اخشیتکی
آصف خان	روشنی بغدادی	خواجه عصمت بخارائی	امیر شاهی سبزواری	آصفی هروی
سیف فرغانی	شاپور تهرانی	سوزنی سمرقندی	حسن دهلوی	بیدل دهلوی
طالب آملی	ظهوری ترشیزی	صابر ترمذی	غنی کشمیری	سیف کاشانی
لطیفه بخارائی	گلشن کردستانی	قاضی یحی لاهیجی	فیض کاشانی	غزالی مشهدی
ندادی کردستانی	نظیری نیشابوری	مجمر زواره ای	محیط اصفهانی	محیط قمی

فیض دکنی	غنی کشمیری	مهستی گنجوی	واقف لاهوری	هلالی جفتائی
ابوالرج رونی	واقف خلخالی	کمال خجندی	طوقی تبریزی	ولی دشت نیازی
شیدای شیرازی	همای شیرازی	حولی سیستانی	اسرار هادی سبزواری	طبعی سولقانی
روحی همدانی	وفای هروی	حضور قمی	سیف فرغانی	عماد فقیه کرمانی
واقف هندی	پاندیت بهوانی داس (نیکو)	چندر بهان (برهمن)	مهری هروی	کلیم همدانی
ملا لطف الله کشمیری	فغانی کشمیری	فغانی	نسبتی لاهوری	ندیم کشمیری
حضور قمی	منصب قاجار	شانی تکلو	نجف هندوستانی	میر سعادت لاهوری
فیاض لاهیجی	نادم لاهیجی	سرمد کاشانی	کسائی مروزی	آصفی کرمانی
عبرت نائینی	قدسی	نظیری	میرزا نوری	نشاطی یزدی

		نیشابوری	مشهدی	
طلوعی عراقی	بی کسی استرآبادی	مرشد بروجردی	صبحی بیگدلی	الهی تبریزی
درویش مقصود	وقار شیرازی	عنقا	رضای قزوینی	قصاب کاشانی
عماد فقیق کرمانی	رشید الدین وظوظ	شهید بلخی	حکیم صفای اصفهانی	میرزا حبیب خراسانی